

صاحب کار

از چه می ترسی؟! صاحب کار کس دیگری است.
 سعی کنیم هدف را کم نکنیم؛ صاحب کار را کم نکنیم. آخه یک دفعه می بینی که سرت خیلی شلوغ
 شده و خرد خرد، پیش این و آن به مقاماتی می رسی و خلاصه به خاطر کلی از این کارهای خوبی که
 وظیفه ات بوده، نگاه ها به تو عوض می شود.

تا می توانیم به خودمان یادآوری کنیم که من همان بودم که...
 انگار که یک دفعه فراموش می کنیم که صاحب کار کس دیگری است. سرخم می شود و نقش
 تواضع بر همه وجودمان می نشیند؛ تا سخنی از تواضع و توکل و این جور چیزها به میان می آید، آهی
 می کشیم و ناخداگاه می گوئیم: ای بابا، کی داره؟ (بایک آه یایک سرتکان دادن خود را در بین
 آن جمعیت حساب می کنیم که یعنی من اصلاً جزو این ها نیستم ولی امان از فریاد دلت!)
 قال أبو عبد الله عليه السلام: **كُلُّ رِيَاءٍ شَرِكٌ.**

إِنَّ مِنْ عَمَلٍ لِلنَّاسِ كَانَتْ ثَوَابُهُ عَلَى النَّاسِ، وَمِنْ عَمَلٍ لِلَّهِ كَانَتْ ثَوَابُهُ عَلَى اللَّهِ.
 ریا شرک است. هر کس برای مردم کار کند، پاداشش بر عهده مردم است و هر
 کس برای خدا کار کند، پاداشش بر عهده خداست.
 اهل درنگ! صاحب کاری است؛ آن هم خداست...